

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد تهران مرکزی

دانشکده هنر و معماری، گروه ارتباط تصویری

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)
گرایش: گرافیک

عنوان:

بررسی امکانات گرافیک به مثابه زبان

استاد راهنما:

آقای دکتر فرزانه سجودی

استاد مشاور:

محمد رضا فیروزه ای

پژوهشگر:

مریم احمدیانی

زمستان ۹۰

فرم اطلاعات پایان نامه های کارشناسی ارشد و رساله های دکتری

نام واحد دانشگاهی و دانشکده:		دانشکده هنر و معماری، تهران مرکز	
کد شناسایی پایان نامه:		۱۰۱۶۰۱۱۶۸۶۲۰۰۹	
نام و نام خانوادگی دانشجو:		مریم احمدیانی	
شماره دانشجویی:		۸۵۰۶۹۰۵۴۰۰۰	
عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد یا رساله دکتری: بررسی امکانات گرافیک به مثابه زبان			
نام و نام خانوادگی استاد راهنما:		فرزان سجودی	
نام و نام خانوادگی استاد مشاور:		محمد رضا فیروزه ای	
تعداد واحد پایان نامه:	۶ واحد	نمره پایان نامه دانشجو:	نمره مقاله:
تاریخ صدور کد شناسایی:	۲۸/۳/۸۷	به عدد: ۱۷/۵	به عدد: ----
تاریخ دفاع از پایان نامه:	۹۰/۱۱/۲۰	به حروف: هفده و نیم	به حروف: ----
چکیده پایان نامه:			
<p>موضوع این پژوهش بررسی امکانات گرافیک همچون یک زبان است که در آن به مفاهیم و نظریات بنیادین علم نشانه شناسی از جمله نظریات «فردینان دو سوسور» و «چارلز سندرس پیرس و دیدگاه نشانه شناسان متاخر و هم چنین نظریه نشانه شناسی لایه ای دکتر فرزان سجودی پرداخته است. همچنین مفاهیم و تعاریف پیرامون زبان و نقش های یاکوبسنی زبان و کارکرد های بلاغی آن مورد توجه و بررسی قرار گرفته است. در این میان با توضیح و مطالعه مفاهیم این دو حوزه، سازوکار تولید معنا در آثار گرافیک تحلیل و مطالعه شده است.</p> <p>این پژوهش سعی دارد سازو کار دو نظام نشانگی زبان و گرافیک را با هم تطبیق دهد. به همین منظور در متن پژوهش از مثال هایی که راهگشای تبیین و تعریف معانی بوده اند استفاده شده است. در پایان برای بررسی عملی تر این مضمون ۴ اثر گرافیکی از پیکره مطالعاتی «مجموعه آثار نهمین بینال طراحی گرافیک ایران» و «سومین دوسالانه جهان گرافیک اسلام» مورد مطالعه و تحلیل قرار گرفته است.</p> <p>روش مطالعه این پژوهش شیوه تحلیلی-توصیفی است و برای مطالعه نمونه ها از شیوه کتاب خانه ای استفاده شده است. پژوهش حاضر به این نتیجه رسیده است که گرافیک هر چند در حیطه برقراری ارتباط به عنوان یک رسانه کار کرد های زبانی دارد اما نمی توان آن را مشخصاً یک زبان دانست.</p> <p>کلمات کلیدی: نشانه شناسی، نقش های زبانی، سواد بصری، دلالت، گرافیک</p>			

مفهام ریاست دانشکده:

تاریخ:

امضاء مدیر گروه:

تاریخ:

امضاء استاد راهنما:

تاریخ:

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۳	کلیات تحقیق
فصل اول: کلیات نشانه شناسی	
۱۰	۱-۱ ارتباط
۱۲	۲-۱ نشانه
۱۳	۳-۱ نشانه از دیدگاه سوسور
۱۷	۴-۱ نشانه از دیدگاه پیرس
۲۰	۱-۴-۱ نشانه نمادین
۲۱	۲-۴-۱ نشانه شمایی
۲۳	۳-۴-۱ نشانه نمایه‌ای
۲۶	۵-۱ متن و رمزگان
۳۰	۶-۱ دلالت ضمنی و دلالت صریح
۳۴	۷-۱ نشانه‌شناسی لایه‌ای
۳۸	۸-۱ جانشینی و هم‌نشینی
فصل دو: زبان و کارکردهای آن	
۴۳	۱-۲ زبان
۴۵	۲-۲ زبان و گفتار
۴۵	۳-۲ نقش‌های زبان
۴۶	۱-۳-۲ عاطفی
۴۷	۲-۳-۲ ترغیبی

۴۸	۳-۳-۲	ارجاعی
۴۸	۴-۳-۲	فرازبانی
۵۰	۵-۳-۲	همدلی
۵۱	۶-۳-۲	ادبی
۵۲	۴-۲	مجاز، استعاره، کنایه

فصل سوم: مبانی سواد بصری

۵۹	۱-۳	گرافیک
۶۳	۲-۳	نشانه‌های تصویری / تجسمی
۶۳	۱-۲-۳	نقطه
۶۳	۲-۲-۳	خط
۶۴	۳-۲-۳	شکل
۶۵	۴-۲-۳	جهت
۶۵	۵-۲-۳	مقیاس
۶۶	۶-۲-۳	رنگ
۶۸	۳-۳	ترکیب بندی و کادر
۶۸	۱-۳-۳	تعادل
۶۹	۲-۳-۳	فشار
۶۹	۳-۳-۳	برجسته سازی
۷۰	۴-۳-۲	کادر
۷۱	۱-۴-۳-۲	تقسیمات افقی
۷۲	۲-۴-۳-۲	تقسیمات عمودی

فصل چهارم: مطالعه موردی

۷۵	۱-۴	مقدمه
۷۶	۲-۴	نمونه ۱
۸۲	۳-۴	نمونه ۲

٨٥ ٤-٤ نمونه ٣

٨٨ ٤-٥ نمونه ٤

٩٢ نتیجه گیری و جمع بندی:

٩٤ فهرست منابع

٩٦ آلبوم آثار

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۹.....	تصویر ۱-۱
۲۱.....	تصویر ۱-۲
۲۳.....	تصویر ۱-۳
۲۵.....	تصویر ۱-۴
۲۹.....	تصویر ۱-۵
۳۳.....	تصویر ۱-۶
۳۵.....	تصویر ۱-۷
۴۶.....	تصویر ۲-۱
۴۸.....	تصویر ۲-۲
۴۹.....	تصویر ۲-۳
۵۰.....	تصویر ۲-۴
۵۱.....	تصویر ۲-۵
۵۴.....	تصویر ۲-۶
۵۶.....	تصویر ۲-۷
۷۶.....	تصویر ۴-۱
۷۹.....	تصویر ۴-۲
۸۲.....	تصویر ۴-۳
۸۵.....	تصویر ۴-۴
۸۸.....	تصویر ۴-۵

مقدمه

جهان از آغاز تا امروز شاهد برقراری انواع ارتباط میان جانداران بوده است و از آن میان شیوه های ارتباط زبانی و تصویری از مهم ترین و ابتدایی ترین اشکال ارتباط به شمار می آیند.

زبان نهادی اجتماعی است که بر اساس قراردادهای مشخص و از پیش تعیین شده عمل می کند. سوسور می گوید: «زبان نظامی از نشانه هاست که عقاید را بیان می کند و از این رو قابل قیاس با نظام نگارش الفبای ناشنویان، مناسک نمادین، اشکال رفتار مودبانه، علامات نظامی و غیره است.»

بر مبنای این نگاه، عملکرد زبان همان عملکرد فرایند ارتباط است؛ پیامی را ارسال می کند که از نشانه ها تشکیل شده و این نشانه ها قراردادی است میان فرستنده و گیرنده. زبان شناسان این رسانه ارتباطی را مجموعه ای از نشانه ها می دانند که بر اساس قواعدی مشخص و نظام مند در راستای ارسال و دریافت پیام عمل می کند

در تعریف نشانه آمده است: «هر چیز که نماینده چیز دیگری جز خودش باشد، یا به عبارت دیگر بر چیزی غیر از خودش دلالت کند.»

اما مسئله اصلی این بحث در این است که آیا گرافیک زبان است یا به عبارت دیگر نظام یا ترکیبی از

نظام‌های نشانه‌ای است؟

ارتباط بصری در معنای گسترده آن تاریخی بسیار طولانی دارد. از نشانه ردپای حیوانات در عصر انسان اولیه تا گرافیک امروز، همه نوعی ارتباط بصری با بیننده برقرار می‌کنند. هر چند که نشانه‌ای مانند ردپای یک حیوان را نمی‌توان یک اثر گرافیکی دانست.

اثر گرافیکی چیزی فراتر از تصویر یا شبیه‌سازی است. در واقع هر اثر گرافیکی، مجموعه‌ای از نشانه‌ها یا علائمی است که بر معنایی دلالت می‌کنند و موقعیت و حضورشان در یک شرایط خاص می‌تواند به حاصل اثر مفاهیم متفاوتی ببخشد. در حقیقت از کنار هم قرار گرفتن این علائم و نشانه‌ها معنایی برای مخاطب ایجاد می‌شود.

بگاهی هنرها، تنها هنرند؛ ترکیبی از مصالح هنری، فرم، رنگ، بافت، ... بدون اینکه الزاماً پیامی جز کارکرد زیبایی شناختی داشته باشند و یا بیننده را مخاطب قرار دهند. اما گرافیک، تنها هنری است که ارائه پیام لازمه وجودی آن است و بدون آن گرافیک به حساب نمی‌آید و شاید نقاشی، طراحی یا چیزی شبیه آن باشد.

اکنون این سوال پیش می‌آید که آیا هنر طراحی گرافیک با دارا بودن تمامی خصوصیات برقراری ارتباط آیا کارکردی همچون زبان دارد؟ یا می‌توانیم آنرا یک زبان بدانیم؟ این نوشتار سعی کرده است با در نظر گرفتن زبان و گرافیک به عنوان دو نظام نشانگی و تطبیق نمونه های گرافیکی با کارکردها و نقش‌های زبانی سعی کند تا حدی گرافیک را به صورت یک نظام زبانی مورد مطالعه قرار دهد.

كليات طرح

تعریف مساله و بیان سوال‌های اصلی

گرافیک رسانه‌ای دیداری و هنری کاربردی است که محصول آن لزوماً برای ارسال پیام به مخاطب استفاده می‌شود. از آنجا که این انتقال پیام در آثار گرافیکی معمولاً غیر از نوشتار از طریق مجموعه نشانه‌های تصویری نیز اتفاق می‌افتد، این سوال را بوجود می‌آورد که آیا می‌توانیم برای گرافیک ساختاری زبانی در نظر بگیریم؟

یکی از راه‌های بررسی ویژگی‌های زبانی گرافیک مقایسه و تحلیل آن با تعاریف زبان و کارکردهای زبانی است. هرچند شاید سازوکار نظام نشانگان طراحی گرافیک در تمامی مقوله‌های زبانی جواب‌گو نباشد، اما مسئله اصلی ارتباط تصویری و وجود پیام از فرستنده به گیرنده، برای تشویق نگارنده به مطالعه ابعاد زبانی طراحی گرافیک، کافی است. در این بررسی از آنجا که زبان و گرافیک هر دو نظام‌هایی نشانه‌ای هستند برای مطالعه و مقایسه آن‌ها علم نشانه‌شناسی را به عنوان مرجع و مبدا هر دو در نظر می‌گیریم و از دیدگاه نشانه‌شناسی به تحلیل سازوکار زبانی می‌پردازیم.

سوالات و فرضیه‌های تحقیق

با توجه به مطالب ذکر شده این پایان‌نامه می‌کوشد به سوالات زیر پاسخ دهد:

الف- ساز و کار نشانگی (تولید معنا) در متون گرافیکی (آثار گرافیکی) چگونه است؟

پ- مفاهیمی چون استعاره، مجاز، کنایه در ارتباط گرافیکی چگونه کار می‌کنند؟

ج- نقش‌های زبان از دیدگاه یاکوبسن چگونه در مطالعه آثار گرافیکی و شناخت نقش‌های متفاوت

ارتباطی در گرافیک عمل می‌کند؟

فرضیه‌ها:

-به نظر می‌رسد گرافیک به عنوان یک رسانه ارتباطی از زبان تصویری برای ارسال پیام استفاده

می‌کند.

به نظر می‌رسد عملکرد نظام نشانگان تصویر در گرافیک مانند عملکرد نظام نشانگان زبان است.

روش تحقیق

پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی انجام شد است. تعاریف بنیادین سه حوزه نشانه‌شناسی، زبان و گرافیک به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده و با نمونه‌هایی از آثار گرافیکی تطبیق داده شده است. نمونه‌های گرافیکی حاضر در این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای (از مجموعه آثار طراحان گرافیک داخلی و خارجی) و اینترنتی (سایت‌های طراحی گرافیک) جمع‌آوری شده است. در پایان نمونه‌هایی برای مطالعه کامل تعاریف و نظریات انتخاب و با شیوه نشانه‌شناسی لایه‌ای مطالعه شده و کارکردهای زبانی هر لایه از متن جداگانه مورد بررسی قرار گرفته است.

پیشینه تحقیق

مطالعه تطبیقی میان زبان و تصویر، بخشی از علم نشانه‌شناسی به حساب می‌آید که با وجود توجهات بسیار افرادی چون لسینگ و دگراندو و نظریات سوسور و پیرس در باب نشانه‌های تصویری، هنوز جای تامل بسیار دارد. در نظر پیش کسوتان این رشته، نشانه‌شناسی تصویری می‌کوشد شیوه‌های عملی در ترجمه تصاویر به زبان گفتار تبیین کند.

رولان بارت جزو اولین نشانه‌شناسان تصویری است که در مهمترین مقاله خود با عنوان «بلاغت تصویر» به یک آگهی تبلیغاتی اشاره می‌کند و این اثر را با دیدی نشانه‌شناسانه مورد تحلیل قرار داده و به سازوکار دلالت ضمنی و دلالت مستقیم می‌پردازد. این مقاله که در ۱۹۶۴ به چاپ رسیده را می‌توان اولین تلاش مدون در زمینه‌ی کشف عناصر دلالت به حساب آورد.

از دیگر کسانی که می‌توانیم در این حوزه به او استناد کنیم، امبرتو اکو است. او در کتاب خود به نام نظریه نشانه‌شناسی در مبحث قیاس زبان گفتاری و تصویر با اشاره به قراردادی بودن تصاویر یادآوری می‌کند که هر تصویر را می‌توان بر حسب نشانه‌های اولیه تحلیل کرد. لذا این نشانه‌ها دارای هیچ معنای «درون بود» نیستند. از این رو باید قراردادی که دال تصویری را به مدلولش متصل می‌کند در فرهنگ و گستره‌ی جامعه جستجو کرد.

سومین چهره‌ای که نظریاتش در زمینه نشانه‌شناسی تصویر اهمیت دارد رنه لیندکن (Rene Lindakens) است. او بر قراردادی بودن نشانه‌های تصویری تاکید داشت و کوشید روش‌های روان‌شناسی گشتالت را در تحلیل‌های خود به کار گیرد.

در اواخر دهه‌ی ۷۰ میلادی در پی رویکردهای جدید به نشانه‌شناسی تصویری، گرایش‌های مختلفی نیز در این زمینه به وجود آمد. یکی از این گرایش‌ها با طرفدارانی چون ماری فلوک (Jean Marie Flock) و فلیکس تولماس (Thulemans) دیدگاه‌های گریماس را اساس کار خود قرار دادند. آن‌ها از مبانی زبان‌شناسی در فهم و تحلیل تصویر سود جستند و از دو لایه‌ی مهم دلالت در نگاه به عکس استفاده کردند. از نظر آن‌ها تصویر در مرتبه‌ی اول باید از بعد شمایی خود مطالعه شود و در مرتبه دوم از بعد تجسمی که مفاهیمی انتزاعی در خود دارد.

دیگر گرایش دهه ۷۰ مکتب لیژ (liege) است. زبان‌شناسان عضو این گروه نیز کار خود را بر پایه‌ی نظریات گریماس بنا کردند و با سود جستن از دیگر رشته‌ها مثل روان‌شناسی، آثار هنری را فاقد چارچوب یا نظام مشخصی مثل دیگر علوم دانستند.

به موازات همین اتفاقات در حیطه‌ی زبان و تصویر، مطالعات نشانه‌شناسی دیگری در حوزه‌ی نقاشی انجام شده‌است که فارغ از نگاه‌های زبانی تنها به مقوله‌ی تصویر در نقاشی و چگونگی دلالت آن می‌پردازد.

در ارتباط با موضوع نشانه‌شناسی هنر- عکاسی، نقاشی، سینما و گرافیک- مطالب محدودی در منابع فارسی وجود دارد. دکتر محمد ضیمران کتابی دارد با عنوان «درآمدی بر نشانه‌شناسی هنر» در ۱۳ فصل که غیر از دو فصل، باقی کتاب به کلیات نشانه‌شناسی از دیدگاه سوسور و پیرس، رمزگان، دلالت، جانشینی و هم‌نشینی می‌پردازد. از دو فصل دیگر، یکی به مفهوم «بازنمایی و تجسم» اختصاص دارد که درباره رابطه‌ی میان نشانه، اعم از زبانی و تصویری، با پدیده‌های عینی جهان است و در این راستا به سازوکار نشانه‌های تصویری در آثاری از قبیل سینما و نقاشی اشاره می‌کند. ضیمران در فصل پایانی تاریخچه‌ای از نشانه‌شناسی هنر ارائه می‌دهد و فعالیت نشانه‌شناسان در دو زمینه‌ی زبانی و پدیدارشناسی را به صورت

کلی گزارش می‌کند.

از دیگر منابع فارسی در زمینه نشانه‌شناسی هنر مقالاتی است که طی سال‌های ۸۶-۸۱ در مجلات خیال به چاپ رسیده‌است. از جمله مقاله‌ای از امبرتو اکو به ترجمه فرهاد ساسانی که در نگاهی کوتاه به ابعاد نشانه‌شمایی و خلاصه‌ای از انواع رمزگان می‌پردازد.

دیگری نوشته‌ای است از آزیتا افراشی با عنوان «تعبیری زبان شناسانه از هنر جهانی» که از دیدگاهی زبان‌شناسانه به مقوله ارتباط هنر و جهانی شدن پرداخته است. این نوشتار هنر را در صورتی دارای قابلیت جهانی شدن می‌داند که از حاکمیت بافت خود خارج شده و بی‌نشان یا خنثی باشد.

همچنین پژوهش‌هایی که به صورت سخنرانی یا مقاله در نشست‌های هم‌اندیشی‌های نشانه‌شناسی هنر ارائه شده و با عنوان «مجموعه مقالات هم‌اندیشی نشانه‌شناسی هنر» توسط فرهنگستان هنر منتشر شده است. برخی از این مقالات به موضوع نشانه‌شناسی آثار هنری به خصوص آگهی‌های تبلیغاتی نیز پرداخته‌اند. در دومین هم‌اندیشی، مقاله‌ی «گفته پردازی در تبلیغات» نوشته دکتر مرتضی بابک معین، از منظر نشانه‌شناسی نقش شرایط اجتماعی تاریخی، اقتصادی و ... را در تبلیغات و سازوکار گفت‌وگوی رسانه‌ای مورد بررسی قرار می‌دهد.

دکتر فرزانه سجودی در کتاب «نشانه‌شناسی: نظریه و عمل» که مجموعه مقالاتی است در باب نشانه‌شناسی، در دو مقاله «نشانه‌شناسی لایه‌ای و کاربرد آن در تحلیل متن تصویری» و «نشانه‌شناسی نوشتار، با نگاهی به رسانه، ادبیات و هنر خوشنویسی» به سازوکار نشانگی و تولید معنا در حوزه هنرهای تجسمی می‌پردازد.

از این میان کتاب فهیمه پهلوان با عنوان «ارتباط تصویری را از چشم انداز نشانه‌شناسی» را می‌توان مطرح‌ترین منبع موجود فارسی در این زمینه دانست. کتاب پهلوان شامل دو مقاله است که در مقاله اول بر اساس تحلیل‌های مارتین ژولی، دال‌ها را به دو بخش تجسمی و تصویری تقسیم کرده‌است و عناصر مبادی سواد بصری را نشانه‌هایی از نظام نشانگان گرافیک به شمار می‌آورد. خانم پهلوان نوشتارهای موجود در متن گرافیکی با نام نشانه‌های زبانی، و تصاویر نشانه‌های شمایی معرفی کرده‌اند.

در مقاله دوم کارکردهای زبانی یاکوبسن به تعبیر هایل برون مورد بررسی قرار گرفته است و با تعدادی از آرم‌های ایرانی تطبیق داده شده است. فهیمه پهلوان در این کتاب با نگاهی نشانه‌شناسانه به اثر گرافیکی، ترکیب بندی‌ها، انواع کادر و زاویه‌ی دید را نیز جزئی از نشانه‌های تجسمی می‌داند درحالی‌که ترکیب بندی یا کادر را می‌توانیم به مثابه قوانین جانشینی و هم‌نشینی نشانه‌ها در زبان بدانیم.

بخش دیگر پژوهش‌های حوزه گرافیک پایان‌نامه‌های دانشگاهی است.

مانند پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد با عنوان «نشانه‌شناسی تبلیغات شهری در ایران» از افسانه کامران. نویسنده از منظر نشانه‌شناسی بیلبوردهای شهری را مورد مطالعه قرار داده است.

دیگری پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی نشانه‌ها با مضمون صلح در پوستر، بعد از جنگ جهانی دوم با رویکردی به پوستره‌های طراحی شده در ایران» نگارش نعیمه ریاضی است. نویسنده از منظر نشانه‌شناسی اعلان‌هایی با مضمون صلح را مورد مطالعه قرار داده و در پایان تعدادی از نشانه‌های تصویری را به عنوان نمادهای تصویری صلح معرفی کرده است.

و همین‌طور پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، با عنوان «نشانه‌شناسی اعلان‌های فلسطین» نگارش محراب اسدخانی است. وی از منظر نشانه‌شناسی به بررسی نمادهای استفاده‌شده در آثار گرافیکی با موضوع فلسطین پرداخته است.

و پایان‌نامه‌ی دکتری، با عنوان «نشانه‌شناسی فرهنگی اعلان (Poster) از ظهور انقلاب اسلامی ایران تا ۱۳۸۰» نگارش نظام‌الدین امامی‌فر. این پژوهش درباره چگونگی تولید معنا از طریق پوستره‌های گرافیکی پس از انقلاب از جنبه‌ی رمزگان‌های نشانه‌ای و فرهنگی است.

با توجه به خلاصه مطالبی که حول نشانه‌شناسی و هنر، بلاخص طراحی گرافیک گفته شد، می‌توانیم بگوییم کمتر پژوهشی به ساختارهای زبانی گرافیک یا کارکردهای زبانی آن پرداخته است.

فصل ۱
نشانه شناسی

۱-۱- ارتباط

ارتباط از ابتدایی‌ترین و مهم‌ترین ارکان زندگی جمعی در سراسر جهان است. بیان خواسته‌ها و تمایلات، مشخص کردن حدود و مرزها، تبادل اطلاعات و دانسته‌ها همه و همه از طریق برقراری ارتباط امکان‌پذیر است. انسان‌ها به واسطه‌ی ابزارگرایی و توانمندی در سخن گفتن، از شیوه‌های گوناگونی - متفاوت با دیگر موجودات - برای برقراری ارتباط استفاده می‌کنند و طی قرن‌های متمادی، همواره از زبان و رسانه به عنوان راه‌هایی برای رسیدن به این هدف - ارتباط - سود جستند.

ارتباط ترجمه‌ی فارسی از لغت لاتین communication است. اما این که این ترجمه تا چه حد درست است جای بررسی دارد. در فرهنگ وبستر، علاوه بر ارتباط برقرار کردن از معادل‌هایی نظیر مکالمه، انتقال دادن، آگاه ساختن، مراوده و رساندن نیز استفاده شده است. لغت‌نامه‌ی آکسفورد به اشتراک گذاشتن و مشترک بودن در چیزی (میان دو سوی ارتباط) را نیز از جمله‌ی دیگر معانی این لغت آورده است.

دانشمندان علم ارتباطات فرایند ارتباط را شامل هر عمل یا روشی می‌دانند که طی آن بتوان دیده‌ها، اطلاعات، انگیزه‌ها، مهارت‌ها و ... را از طریق استفاده از نمادها، کلمات، تصاویر و شکل‌ها، اعداد و نمودارها و ... انتقال داد. گروهی دیگر از ارتباط شناسان، حوزه تعریف ارتباط را حتی وسیع‌تر از این هم می‌دانند و وسایل ارتباطی مانند راه‌آهن، تلفن و .. را نیز از اجزای فرایند برقراری ارتباط به حساب می‌آورند.

کلود شنن می‌گوید: «ارتباط عبارتست از تمامی روش‌هایی که از طریق آن ممکن است ذهنی بر ذهن دیگر تاثیر بگذارد. این عمل نه تنها با نوشتن یا صحبت کردن، که حتی با موسیقی، هنرهای تصویری، تاتر، باله و تمام اعمال انسانی انجام می‌شود.» (محسنیان راد ۱۳۸۵، ص ۴۴)

در تعریفی کلی، می‌توان گفت فرایند برقراری ارتباط بر پایه‌ی ارسال پیام از سوی فرستنده و دریافت آن از طرف گیرنده شکل می‌گیرد.

هر پیامی که از سوی فرستنده ارسال می‌شود مبتنی بر رمزها یا کدهایی است که به گونه‌ای قراردادی محتوای پیام را برای گیرنده مشخص می‌کند. رمزهای تشکیل دهنده‌ی پیام، بنا بر نظامی که ارتباط بر

اساس آن شکل می‌گیرد می‌تواند شامل کلمات، تصاویر، اصوات، علائم و ... باشد. از این رو مطابق تعریف لغت نامه‌ی آکسفورد مشترک بودن رمزهای پیام برای هر دو سوی این فرایند، از مهم‌ترین بخش‌های برقراری ارتباط است و ارتباط زمانی به درستی شکل می‌گیرد که گیرنده و فرستنده پیام در معنی رمزها توافق داشته باشند.

“ارتباط عبارتست از پروسه‌ی انتقال پیام از سوی فرستنده برای گیرنده مشروط بر آنکه در گیرنده‌ی پیام مشابهت معنی با معنی مورد نظر فرستنده‌ی پیام ایجاد شود” (محسنیان راد ۱۳۸۵، ص ۵۷)

بنا بر تعاریف بالا، لازمه‌ی برقراری “ارتباط جمعی” نیز اشتراک دو سوی ارتباط در نمادها و رمزهاست. در چنین فرایندی معنی مورد نظر فرستنده می‌باید در ذهن تعداد بیشتری از گیرندگان پیام تداعی کند. در واقع رمزگان یا نظام نشانگی مورد استفاده در یک رسانه (یا نهاد ارتباط جمعی) گسترده‌تر و کامل‌تر از رمزگانی است که تنها میان دو یا چند نفر مورد پذیرش است و بکار می‌رود. به همین ترتیب اهمیت اشتراکات آن نیز بیشتر است.

با این حال در یک مدیوم یا رسانه‌ی ارتباط جمعی، تنها تعداد گیرندگان پیام تغییر می‌کند و زمان، مکان و حجم پیام تاثیری در محتوای آن ندارد.

در تمامی انواع ارتباط -جمعی یا محدود و به وسیله‌ی هر نوع ابزار- برقراری ارتباط مبتنی بر ۶ جزء تعیین کننده است که رومن یاکوبسن، زبان‌شناس روس و از بنیان‌گذاران مکتب مسکو آن‌ها را به صورت زیر نامگذاری می‌کند؛ پیام، گوینده، مخاطب، مجرای ارتباطی، رمز، موضوع.

تاثیر هر یک از این بخش‌ها در شکل‌گیری فرایند ارتباط، می‌تواند معنای پیام ارسال شده را تغییر دهد و یا تکمیل کند که در بخش نقش‌های زبانی به آن خواهیم پرداخت.

۱-۲- نشانه

از آنجا که این رساله به رابطه میان گرافیک و زبان به عنوان یک نظام نشانگی می‌پردازد، لازم است تعاریف کلی و جزئی از نظام نشانگی و نشانه ارائه شود.

اولین معنایی که معمولاً از نشانه به ذهن خطور می‌کند، همانی است که در زندگی روزمره با عنوان نشانه به آن اشاره می‌کنیم؛ مثل نشانه‌های جاده‌ای، نشانه‌های ناشنویان، نشانه‌های راهنمای اماکن عمومی و ... اما در واقع مفهوم کلمه‌ی نشانه گسترده‌تر از محدوده‌ی این علائم تصویری است و تنها شامل نشانه‌های بصری نمی‌شود. بلکه نشانه‌ها شامل کلمه‌ها، اصوات، فرم‌های بدن، اطوار، اشیاء و بسیاری دیگر نیز هستند.

در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰، علمی پدید آمد که آنرا نشانه‌شناسی نامیدند. دو دانشمند آمریکایی و سویسی به نام‌های چارلز سندرس پیرس و فردینان دو سوسور، تقریباً هم‌زمان و به طور مستقل به مفهوم و جوانب علم نشانه‌شناسی پرداخته و هر کدام از دیدگاه خود آنرا تجزیه و تحلیل کرده‌اند. سوسور در کتابش به نام «زبان‌شناسی عمومی» که بعد از مرگش در ۱۹۶۱ منتشر شد می‌گوید: «می‌توان دانشی را تصور کرد که به نقش نشانه‌ها به مثابه بخشی از زندگی اجتماعی می‌پردازد... ما آنرا نشانه‌شناسی (semiology) می‌نامیم (از واژه‌ی یونانی semion به معنی نشانه) این دانش مشخص خواهد کرد که طبیعت نشانه‌ها و قوانین حاکم بر آنها کدامند و ...» (سجودی ۱۳۸۷، ص ۲۹)

یکی از تعاریفی که در توضیح نشانه‌شناسی ارائه شده و می‌توان آنرا جامع‌ترین تعریف نیز دانست، تعریف امبرتو اکو است که می‌گوید: «نشانه‌شناسی با هر چیزی که بتواند یک نشانه قلمداد شود سر و کار دارد.» (چندلر ۱۳۸۶، ص ۲۴)

نشانه‌شناسان به دنبال کشف ساز و کار معنا از طریق نشانه‌ها هستند. معنا از طریق تولید و تفسیر نشانه‌ها بوجود می‌آید. این در حالیست که هر نشانه به خودی خود معنایی ندارد و فقط زمانی که معنایی را به آن نسبت می‌دهیم به نشانه تبدیل می‌شود. به گفته‌ی پیرس «هیچ چیز نشانه نیست مگر اینکه به عنوان نشانه تفسیرش کنیم» (چندلر ۱۳۸۶، ص ۴۵) با این نگاه نشانه‌شناسی بررسی و مطالعه‌ی هر چیزی است که

بر چیزی دیگر دلالت یا اشاره داشته باشد.

از منظر نشانه‌شناسی، نشانه را نمی‌توان به صورت منفرد مطالعه کرد. بلکه آن را باید به عنوان جزئی از بدنه‌ی یک «نظام نشانگی» در نظر گرفت و بررسی کرد. هر نظام نشانگی متشکل از نشانه‌هایی است که در کنار هم و بر اساس قواعد خاص همان نظام تولید معنا می‌کنند و مطالعه‌ی یک جزء از آن بدون در نظر گرفتن دیگر اجزاء ما را به درک درستی از مفهوم نشانه نمی‌رساند.

در تعریف و تبیین معنای نشانه و انواع آن به بررسی این مطلب از دیدگاه فردینان دو سوسور و چارلز سندرس پیرس می‌پردازیم.

۱-۳ - نشانه‌ی سوسوری

سوسور نشانه را الگویی دو وجهی می‌داند که از دو بخش «دال» و «مدلول» تشکیل می‌شود. در دیدگاه سوسور نشانه‌ی زبانی، تصویری مفهومی را به یک تصور صوتی نسبت می‌دهد. در واقع دال شکل ظاهری نشانه و مدلول مفهومی است که نشانه به آن ارجاع داده می‌شود.

او نشانه را کلیتی از رابطه‌ی دال و مدلول می‌داند و این رابطه را دلالت می‌نامد و می‌گوید: «نشانه‌ی زبانی پیوند میان یک شیء و یک نام نیست بلکه یک مفهوم (مدلول) را به یک تصور صوتی (مدلول) پیوند می‌دهد.»

سوسور دال و مدلول را پیوسته به هم و جدا ناشدنی می‌داند و مثال دو روی یک کاغذ را برای توصیف نحوه‌ی پیوند آن‌ها می‌آورد. دال بدون مدلول بی‌معناست و برعکس و همچنین هیچ یک بر دیگری تقدم ندارد.

برای نشان دادن این معنا سوسور از یک نمودار استفاده می‌کند که در آن رابطه‌ی متقابل و پیوند متداعی میان دال و مدلول را به وسیله‌ی دو فلش نشان می‌دهد و خطی افقی دال مدلول را از هم جدا می‌کند تا بتواند در موارد تحلیل این دو را از هم تمایز دهد.